

یادداشت

آغاز و فرجام «قانون کار»ی که مهم‌ترین خواست کارگران از انقلاب بود



حسین اکبری، فعال مستقل کارگری

● وضع حقوق کار مدافع کارگران در ایران، در قالب قانون کار، پس از انقلاب محوری‌ترین مطالبه و انتظاری بود که کارگران از انقلاب داشتند و چگونگی پاسخ به این انتظار نیز، مهم‌ترین عرصه مبارزه کارگران برای برقراری میزانی از آزادی و عدالت در نظامی بود که خود در برپایی و استقرار آن نقشی اساسی و بی‌تردید تعیین‌کننده داشتند. اگر واقع‌گرایانه به قدرت کارگران در فلج سیاسی- اقتصادی که منجر به فروپاشی سلطنت شاه شد، و نیروی محرکه آنها در انقلاب، بنگریم، بدیهی‌ترین نتیجه آن، این‌است‌که کارگران انتظاری برحق در کسب حقوق کاری فراتر از آنچه پیش از انقلاب زندگی آنها را رقم می‌زد، داشته باشند از این‌رو مبارزه بر سر تصویب قانون کار به عرصه‌ای برای سنجش وفاداری به انقلاب در فضای سیاسی آن روز بدل شده بود و بدیهی‌ترین نتیجه این مبارزه را، شرایط آن روز ایران رقم زد. شرایطی‌که خواست‌های انقلابی را هدف قرار می‌داد. این شرایط را عوامل گوناگونی آفریدند و رخدادهای متفاوتی زمینه‌های آن را فراهم کردند که مهم‌ترین آنها را به حد می‌توان جنگ هشت‌ساله دانست؛ چراکه تا پیش از آغاز جنگ، مهم‌ترین موضوع داخلی در ایران برای کارگران، بی‌تردید جنبش قانون کار بود و جنگ در فرسایش این جنبش، نقش اساسی داشت و آن را از متن به حاشیه برد؛ اما در این حاشیه هم هیچ نیرویی را نتوان و بسیاری نادیده‌گرفتن نقش کارگران و زحمت‌کشان در دفاع از میهن و استقرار شرایط پسانقلابی نبود. چنین شد که تصویب قانون کار به طولانی‌ترین پروژه سیاسی در دولت برآمده از انقلاب، بدل شد و از قضا، به مصلحت‌گرایی سازمان‌یافته‌ای انجامید تا تصویب آن (قانون کار) از کشمکش درازمدت بین موافقان و مخالفان آن، هم در مجلس و هم در شورای نگهبان، در این‌ فرایند زمان‌بر (در سال‌های ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۹) به مجمع تشخیص مصلحت نظام سپرده شود و نتیجه آن، قانونی شود که حقوق کار را در عرصه‌هایی از آن به‌گونه‌ای ببیند- و در عرصه‌های دیگر، به‌گونه‌ای نقض کند. این قانون قراردادهای کار را که پیش از انقلاب براساس ماده ۳۳ قانون کار گذشته، یک جانبه فسخ می‌شد، منقض کرد و با سیردن تصمیم درباره چگونگی فسخ قرارداد به آرای شورا‌های اسلامی کار در هیأت‌های حل اختلاف، امتیازی برای کارگران در نظر گرفت. درعین‌حال همین شوراها بنا بر نبود استقلال پیش‌بینی شده در قانون و آیین‌نامه‌های مصوب، به اغلب موارد خود به مانعی جدی بر سر اجرای مواد حمایتی قانون از کارگران تبدیل شد و این تناقض در جای‌جای قانون کار موجود است. به‌رحال آنچه تصویب شد، نه پایان کار، بلکه آغاز و عرصه‌ای جدید شد.

● حذف تدریجی اعمال این قانون و سپس اجرائ‌نگردن فصول و موادِی از آن، به بهانه اینکه قانونی سخت‌گیرانه و مانعی بر سر راه فعالیت‌های اقتصادی کارفرمایان است، همچنان ادامه دارد. آنجاکه توانسته‌اند از ظرفیت‌های منفی در نگارش قانون به سود سیستم کارفرمایی بهره‌برداری کرده‌اند و آنجاکه این کار بنا به دلایلی ممکن نبود، به اعتبار برخی مواد (مانند ماده ۱۹۱) تبصره‌ها، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌ها گرفته تا به‌کارگیری شیوه‌های خاص قانون را دور زده‌اند.

فعالیت گسترده به هدف ازبین‌بردن حمایت‌های قانونی از زندگی کارگران، درست از سال‌های پس از جنگ آغاز شده است و پیرو سیاست‌های خانمان‌برانداز تعدیل ساختاری دولت ساززندگی، اولین اقدامات ریشه‌ای و پایه‌ای برای این منظور، به صورتی کاملاً قانونی کلید خورد. ایجاد مناطق آزاد تجاری- صنعتی، تصویب قوانینی بر چگونگی اداره این مناطق، در اولین کار خود، قانون کاری را که کمتر از سه سال از تصویب آن می‌گذشت، به مسلخ کشانید و به جای آن «مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران» (مصوب هیات دولت در تاریخ ۱۳۳۳/۳/۸) را قرار داد. در گام بعدی با دوزدن قانون کار، موضوع قراردادهای موقت رواج یافت. این کار نیز با چنان سرعت و حدتی بیش رفت که هم‌اکنون بیش از ۹۰درصد قرارداده‌ا، از دائم به موقت تغییر یافته‌اند. در گام‌های بعدی، کارگران قالی‌باف و کارگاه‌های دارنده تا پنج کارگر و سپس کارگاه‌های دارنده تا ۱۰ کارگر، از شمول قانون کار خارج شدند و این در حالی بود که دولت اصلاحات مستقر بود.

ادامه در صفحه ۱۵

❧ قانون کار برای اولین بار بناس‌ت تغییر کند؛ چه شد

که دولت برای تغییر قانون کار وارد عمل شد؟

برای پاسخ به این پرسش باید نگاهی به پیشینه قانون کار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی داشته باشیم. پس از پیروزی انقلاب و اعتراض‌های گسترده‌ای که در جامعه کارگری به قانون کار دوره طاغوت وجود داشت، تغییر قانون و اصلاح آن در دستور کار نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت. شورای انقلاب در رابطه با تعیین وضعیت نمایندگی کارگران مصوبه‌ای داشت و بعد از آن کارگران و کارفرمایان کنگره‌ها و نشست‌های متعددی را در نقاط مختلف کشور برگزار و درباره قانون کار شروع به اظهار نظر کردند و دولت هم به‌تبع این خواست عمومی، بررسی قانون کار را در دستور کار خود قرار داد و مؤسسه کار تأمین اجتماعی به‌عنوان یکی از سازمان‌های تحقیقی و مطالعاتی در ارتباط با قانون کار نقش تنظیم‌کننده و اب‌دهی را با همکاری معاونت روابط کار وزارت کار برعهده گرفت و در زمان نخست‌وزیری مهندس موسوی، لایحه‌ای را تهیه کرد و به دولت ارائه داد. پس از آن این لایحه در دستور کار کمیسیون‌های مجلس قرار گرفت. تصویب این لایحه در مجلس سال‌ها به طول انجامید، چراکه در ابتدای انقلاب خواسته عدالت‌جویی به‌شدت گسترده بود و در لایحه، بررسی روابط کار و کارفرما و با فشارهای جامعه کارگری با دقت بیشتری مطالعه می‌شد و به همین دلیل رفت‌وآمد لایحه قانونی قانون کار بین مجلس و شورای نگهبان سال‌ها در جریان بود و ایرادهای مختلفی به آن گرفته می‌شد. علاوه بر این قانون، بخشی از قوانین دیگر مانند قوانین شورا، بیمه بی‌کاری، اشتغال معلولان و برخی قوانین تأمین اجتماعی به ترتیب بررسی می‌شد و بنا توجه به اینکه امنیت شغلی برای جامعه کارگری وجود نداشت، سعی شد نوعی امنیت برای کارگران در نظر گرفته شود. به همین دلیل در قانون جدید، اخراج‌ها را در قراردادهای دائم به‌صورت کسویه از اراده کارفرما خارج کرده و در اختیار مراجع رسیدگی‌کننده دیگری مانند هیات حل اختلاف قرار دادند تا آنها به اخراج‌ها و تأیید و تکذیب اخراج یا ادامه کار افسار رای دهند و به‌نوعی اخراج‌های بی‌رویه کنترل شد. این وضعیت باعث شد بعد از بارها پیگیری که از کمیسیون کار مجلس انجام شد و اظهارنظر‌های پیوسته‌ای که شورای نگهبان داشت، در نهایت این قانون در مجلس سوم و در دولت اول سازندگی که من وارد دولت شده بودم، به تصویب برسد. اما از همان ابتدا به‌دلیل اینکه اختیارات تام و کامل برای اخراج کارگران از کارفرما گرفته شده بود، دستگاه مدیریتی کشور که با مدیریت جمعی کار آشنایی نداشت و همچنین بخشی از کارفرما‌ها که به مدیریتی مشابه فرماندهی یادگانی عادت کرده بودند، نمی‌توانستند این شرایط را بپذیرند و ایرادگیری از آغاز کردند و پیشنهادهای مختلفی ارائه دادند و در دولت‌های مختلف هم تغییر قانون در دستور کار قرار گرفت تا به این مرحله رسید که یک لایحه که ازسوی دولت آقای احمدی‌نژاد و در دوران آقای شیخ‌الاسلامی، وزیر کار، ارائه شده بود، در دولت روحانی به مجلس ارائه شد. بسیاری از لایحه‌ها که تا‌به‌حال درباره قوانین کار و روابط کار اظهارنظر کرده‌اند اصولاً با قانون آشنایی ندارند. برخی از کسانی که مخالفت می‌کنند در حقیقت با قانون کار مخالف نیستند بلکه با قانون تأمین اجتماعی مخالف هستند. بعضی از کسانی که به قانون کار معترض‌اند کسانی هستند که زیر فشار خاص ازسوی تأمین اجتماعی برای پرداخت‌های بی‌رویه قرار گرفته‌اند و بخشی از مخالفت‌ها به نحوه اجرای قانون بازمی‌گردد و رفتارهای نسجیده‌ای که در برخی موارد از هیأت‌های تشخیص یا حل اختلاف مشاهده شده است. این درست مانند آن است که کسانی از چراغ قرمز عبور می‌کنند و ما بگوییم چراغ قرمز به‌ردیخور نیست، زیرا یک‌سری از آن عبور می‌کنند. در واقع بعضی از هیأت‌های حل اختلاف در سال‌های گذشته احکامی صادر کرده و نظراتی داده‌اند که این نظرات منطبق بر واقعیات و روح قانون نبوده است. از آنجاکه دآوری مردمی بوده و کارگر، کارفرما و دولت با هم رای می‌دهند و هرجایی که دورای با هم تطابق داشته باشد، حکم صادر می‌شود، احتمال اینکه در مواردی رای نامتاسب داده شده باشد وجود دارد و همان‌ها ملایکی برای بداندستن قانون شده است. درحالی‌که آنچه در قانون هست، به‌نوعی سیردن دآوری و پذیرش داور مرضی‌الطرفین در حل منازعات است و این چیزی است که به‌عنوان بیشترین‌ترین سیستم دآوری در جهان امروز به رسمیت شناخته می‌شود. اینکه در ایران این امر به‌عنوان اشکال شناخته می‌شود، بحث دیگری است. نکته دیگر درباره قانون، این است که قانون شرایط جدیدی را ارائه می‌کرد که تسهیم مشاغل را در روابط کار توصیه می‌کرد؛ مثلاً با کاهش ساعت کار از ۴۸ ساعت به ۴۴ ساعت و ممنوعیت شغل دوم، باید دستمزد‌ها تغییر می‌کرد تا افراد بتوانند با همان حقوق یک شغل، زندگی خود را اداره کنند؛ اما در عمل دستمزد‌ها رشد کافی را نداشت و نیروی کار از فرصت‌های که در کاهش این بخش صورت می‌گرفت، نتوانست به اندازه کافی بهره‌مند شود. با توجه به مطالعاتی که روی قوانین کشورهای دیگر صورت گرفت، قانون کار از نظر معوم مردم به صورت یک قانون عادلانه که حداقل حقوق قانونی کارگر را تأمین کرده است، شناخته شد. اصولاً قانون کار در دنیا به‌عنوان قانون حمایتی و حداقلی شناخته می‌شود، به این معنی که از این حد کمتر نمی‌شود برای کارگر مقرراتی را وضع کرد. درباره پرداخت‌های بیشتر و شرایط بهتر منعی وجود ندارد.

اما موضوعی که گفته می‌شود، این است که این

قانون مربوط به کارگرا‌ه‌است و قانون «کار، نیست، با

این اوصاف در دنیا هم همین‌طور است.

با توجه به اینکه صاحب سرمایه، دارای قدرت، سود

اقتصاد

وزیر اسبق کار از نادیده گرفتن سه جنبه گرایي در تدوین لایحه اصلاح قانون کار می‌گوید

بازی ملی تک نفره



عکس: رونوفه رشتنی، شرق

شرق: قانون کار، مهم‌ترین خواسته جامعه عدالت‌خواه پس از پیروزی انقلاب بود، برهمنی اساس هم بود که یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها برای ایجاد بستری مبتنی بر عدالت، از همان اوان انقلاب در دستور کار قرار گرفت و عزمی برای تغییر قانون کار بیش از سال ۱۳۵۷ به کار گرفته شد تا در اولین گام، حق اخراج آزاد از سوی کارفرما به شورایی داده شود تا با این روش، امنیت شغلی کارگران تضمین شود؛ به‌دلیل حساسیت موضوع هم بود که این قانون به یکی از طولانی‌ترین قوانین برای تصویب بین مجلس و شورای نگهبان تبدیل شد و در نهایت پای مجمع تشخیص مصلحت نظام به میان کشیده شد و در نهایت در سال ۱۳۶۹، قانون کار به تصویب رسید؛ قانونی که از همان ابتدا با مخالفت‌های جدی از سوی کارفرمایان روبه‌رو و تلاش‌ها برای ایجاد محدودیت‌هایی در اجرای آن آغاز شد. موضوعی که تاکنون نیز ادامه یافت و در نهایت به ارائه لایحه‌ای منجر شد که از دولت احمدی‌نژاد طراحی شده بود و دولت یازدهم نیز با تغییرات بسیاری، به نفع کارفرمایان به ظن ایجاد اشتغال، آن را بگیری کرد. لایحه‌ای که حسین کمالی، وزیر کار دولت‌های سازندگی و اصلاحات، آن را نوعی دوزدن قانون می‌داند و به دولت توصیه می‌کند هرچه زودتر این لایحه را بازپس گیرد. حضور پررنگ نقش دولت در سه‌جانبه‌گرایی در این لایحه و افزایش نقش قوه قضائیه در آن، دو مسئله‌ای است که او به آن انتقادی جدی وارد می‌کند و آن را در راستای ایجاد ترس در کارگران توصیف می‌کند. کمالی با نگاهی به حکم‌هایی قوه برای شلاق‌زدن کارگران، تأکید می‌کند که این حضور نمی‌تواند به صلاح جامعه کارگری باشد.

و مدیریت است و کارگر چیزی جز کار خود را در اختیار ندارد، کارگر نیاز به حمایت دارد. این قانونی است که در کل دنیا به‌عنوان حداقل‌های حمایتی از نیروی کار می‌گذارند. بعد از سال ۱۸۸۶ که در شیکاگو دستمزد‌ها و ساعت کار نامعلوم بود و کودکان و زنان را به کارهای سخت وامی‌داشتند، شورش صورت گرفت که براساس آن پایه دفتر بین‌المللی کار بنا گذاشته شد که بعداً به‌عنوان سازمان بین‌المللی کار شناخته شد. آن سازمان وظیفه خودش را تعیین یک‌سری استانداردها، مقاله‌نامه و توصیه‌نامه برای دولت‌ها قرار داد که این استانداردها، توصیه‌نامه‌ها و مقاله‌نامه‌ها، حداقل‌های حقوق صنفی را برای جامعه کارگری منظور می‌کند و کارفرما‌ها در نشست‌ها آنها را تأیید می‌کنند. در کشور ما هم قانون کار حمایتی است و حداقل‌ها را تأمین می‌کند و باز هم حداکثر‌ها در اختیار کارفرما‌ست. منظور از حقوق همه نوع حق حتی حق حفظ شغل است. در اینجا جامعه کارفرمایان ایران که می‌دید از شرایط مناسبی برخوردار نیست و تحت فشار است و موقعیت اقتصادی درستی ندارد، تلاش‌شان را برای بهبود شرایط اقتصادی خود و کشور قرار ندادند؛ بلکه برای کاهش دستمزد‌ها و شرایط زندگی کارگر‌ها قرار دادند تا همین حداقل‌ها در قانون، سطح زان‌تاری پیدا کنند. در واقع کارفرمایان کاری را انجام دادند که یک فرد ناتوان و مستاصل از نظر فکری و مدیریتی با شناخت‌نداشتن از اقتصاد روز انجام می‌دهد.

❧ این‌گونه‌که شما بیان می‌کنید، کارفرمایان تمایل دارند قانون کار تغییر کند؛ اما آنچه در اصلاحیه قانون کار رخ داده، تلاش دولت برای تغییر قوانین است. تلاش دولت پاسخ‌گویی به کارفرما‌هاست.

❧ اما برخی از تغییرات، توافق شده برخی کارفرمایان هم نیست.

احتمال دارد کارفرمایان به دنبال کاهش‌های بیشتری باشند. در اینجا دولت را به‌عنوان کارفرمای بزرگ در نظر بگیریم. چون دولت (نماینده کل جامعه) و گروه کارفرمایی (کارفرمایان و دولت کارفرما) به آن دقت در شناخت منافع خودشان نرسیده‌اند که چطور می‌توان اوضاع کشور را بهبود داد، اکنون دنبال این هستیم که در یک وحدت و همکاری ملی، دولت، کارگر و کارفرما همگی بهره‌مند شده و سود ببرند. وقتی می‌گوییم دولت، منظورمان کل جامعه است؛ یعنی دولت به نمایندگی از کل جامعه مخاطب ماست، به این معنا که باید اقتصادی را شکل دهیم که معطوف به سود باشد، نه زیان. وقتی در اقتصاد سود حاصل شود، کارفرما سود می‌کند و کارگر هم می‌تواند از آن سود (دولت یا کارفرما بخش خصوصی) دستمزد خوب طلب کند. اگر کارفرما سود ببرد، اشتغال رشد پیدا می‌کند. دولت هم می‌تواند از کارفرمایی که از سود خوبی بهره‌مند می‌شود، مالیات خوبی بگیرد؛ اما اکنون زنجیره زیان شکل داده‌ایم، نه زنجیره سود. در این زنجیره زیان، دولت سعی می‌کند به کارفرما فشار بیاورد، کارفرما هم به کارگر و کارگر به دلیل نارضایتی کارش را به خوبی انجام نمی‌دهد، در نتیجه مدام در صنعت، کشاورزی و بخش‌های مختلف خدماتی پیش‌رفت نمی‌بینیم. به عقیده من، به جای اینکه کارفرما بر کاهش مزایای اندک نیروی کار فشار بیاورد و خودشان را به شکلی راحت کنند، بهتر است با حمایت همین نیروی کار در یک نشست ملی به این سمت حرکت کنند که اقتصاد رقابتی و بالنده را شکل دهند. نکته دوم این است که دولت باید برای بحث‌هایی

کار و کارگری و مسائل صنفی نمی‌تواند چندان مثبت و مفید باشد. هنوز حکم شلافی که برای کارگران معادن در جاهای مختلف صادر شد، پادمان نرفته است. در این لایحه بخش‌هایی را به قوه قضائیه حواله داده‌اند که مطلوب نیست. آنها می‌خواهند کارگران را بترسانند.

❧ درحال حاضر دولت سه بهانه حضور حجم گسترده‌ای از بی‌بی‌کاران، سعی در نازل کردن پرداخت دستمزد و سایر حقوق برای افراد جویای کار کرده تا مزیت‌هایی برای کارفرمایان و سرمایه‌گذاران در نظر گرفته باشد تا آنها به جذب بی‌بی‌کاران در بازار کار اقدام کنند. این رویکرد واقعا می‌تواند منجر به ایجاد اشتغال شود؟

این کار در حقیقت دورخودگشتن است. قبلاً می‌گفتند اگر مناطق آزاد از شمول قانون کار خارج شود، میلیون‌ها شغل ایجاد خواهد شد. امروز بعد از ۲۰ سال این اتفاق نیفتاده است. یک بار گفته‌ا اگر کارگاه کمتر از پنج نفر از شمول قانون کار خارج شود، ۱۰ میلیون شغل ایجاد خواهد شد اما این‌طور نشد. اکنون هم که می‌گویند اگر حقوق کار را تصصیع کرده و سطح زندگی‌شان را پایین‌تر بیاوریم، شغل ایجاد خواهد شد و کارفرما‌ها راغب به جذب آنها خواهند شد، درحالی‌که ظرفیت اقتصاد ما باید جاذب نیروی کار باشد. اقتصاد ما زیان‌ده و ناکاراست و نمی‌تواند نیرو جذب کند، چه قانون را کم یا زیاد کنید. فقط با صدور اجازه اخراج نیروی کار به کارفرما، باعث می‌شوید همین چند کارگر در کارخانه‌ها آزاد شوند. اکنون حدود ۸۰ درصد واحدها با تعطیل هستند یا در خطر تعطیلی هستند. دولت و کارفرما‌ها باید به فکر راهی برای راندن‌دای این واحدها باشند که اشتغال ایجاد شود. اینکه با نیروی کار نارضای و خسته برخورد تندی انجام دهند، مشکلی حل نخواهد شد. این کار نشان‌دهنده ضعف جامعه کارفرمایی ماست. آنها نتوان‌اند و راهکار را بلد نیستند و به ضعف حمله می‌کنند.

❧ اکنون دولت و کارفرما کنار هم قرار گرفته‌اند؟

دولت خودش کارفرماست. اکنون بخش عمده‌ای از اقتصاد کشور در اختیار دولت (کارفرما) است. نفت را می‌فرشد و بین عده‌ای توزیع می‌کند و اندکی از این میزان در اختیار جامعه کارگری و مردم قرار می‌گیرد و بقیه را می‌برد. چه زمانی قرار است جامعه کارفرمایی ایران به خود بپاید و اقتصاد و سود را بفهمد؟

❧ به نظر‌تان فارغ از اتفاقاتی که می‌افتد، اندیشه سیاسی پشت این ماجراست؟

به نظرم هیچ اندیشه‌ای پشت این کار نیست. یعنی یک واکنش غریزی ابتدایی نسبت به موقعیت آشفته اقتصادی است.

❧ دولت قصد دارد بی‌بی‌کاری را کاهش دهد و ایجاد اشتغال کند. اما راه را با توجه به گفته‌های شما اشتباه رفته است. پیشنهاد شما به دولت در این وضعیت آشفته اقتصادی چیست؟

دولت برای طرح هر لایحه‌ای اگر بخواهد نقش ملی را بازی کند، باید ابتدا نشست ملی برگزار شود. کارگر، کارفرما و دولت با هم درباره هر تغییر و تحولی مذاکره کنند. در این کار باید منافع ملی اولویت داشته باشد نه منافع گروهی و صنفی. منفعت ملی ما در داشتن یک اقتصاد مقاوم و رقابتی و سودده است نه اقتصاد زیان‌ده. باید کاری کنیم که همه از کار و تلاش خودشان راضی باشند. برای رسیدن به این وضعیت باید اقتصاد معطوف به سود را هدف قرار دهیم. اکنون زیان تولید می‌کنیم و به خاطر فرمول‌های اشتباهی که در همه بخش‌ها در کشور وجود دارد، اکثر کارفرما‌ها کارشان را راه رفته اند. مثلاً دولت نمی‌تواند و نخواسته کار خاصی را در ارتباط با سیستم بانک‌داری، مالیات‌ها، بیمه، مقررات کم‌رکی و… انجام دهد. راحت‌ترین کار حمله به نیروی ضعیف‌تر و گرفتار کار (کارگر) است. درحال حاضر سیستم بانک‌داری ما سیستم ربوی است که در آن هیچ اقتصاد مولدی نمی‌تواند رشد کند و هیچ اقدامی در جهت اصلاح این سیستم صورت نمی‌گیرد. سیستم کم‌رکی ما پر از مانع و اشکال است و مانند سدی در برابر تحرکات اقتصادی ایستاده است. سیستم مالیاتی هم همین‌طور است؛ از یک کالا در چندین مرحله مالیات گرفته می‌شود و بعضی فعالیت‌ها به طور کلی از مالیات فرار می‌کنند. یعنی هیچ تغییر و تحولی در این بخش‌ها ایجاد نمی‌شود. باید مدبر و کارفرما و کارگر هم جمع کنند و در نشست ملی درباره این موضوعات بحث و نتیجه‌گیری شود. با تغییر در قوانین و مقررات مخالف نیستیم اما باید به سمت بهبود حرکت کنیم نه تخریب. آنچه در این لایحه صورت می‌گیرد، اصلاح قانون نیست؛ تخریب قانون است. باید کاری را انجام دهیم که شرایط برای کارفرما، کارگر و دولت از امروز بهتر شود و این امر اکنون دنبال نمی‌شود. گروهی تحت فشار گروه دیگر شرایط را به ضرر گروهی دیگر تغییر می‌دهند. در این میان نارضایتی شکل می‌گیرد که ادامه خواهد داشت و اثراتش را در بخش‌های مختلف نشان خواهد داد. چون موقعیت امروز ما موقعیتی نیست که با زور و قلدری فشار بتوان کار را پیش برد. اقتاع اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است.

به نظرم دولت باید لایحه را پس بگیرد و نشست ملی بگذارد. حتی اگر مجلس هم خواست آن را بررسی کند باید نشست ملی بگذارد. صاحب‌نظران را از جامعه کارگری، کارفرمایی و کارشناسان و متخصصان دولت دور هم جمع کنند و در نشست ملی درباره این موضوعات بحث و نتیجه‌گیری شود. با تغییر در قوانین و مقررات مخالف نیستیم اما باید به سمت بهبود حرکت کنیم نه تخریب. آنچه در این لایحه صورت می‌گیرد، اصلاح قانون نیست؛ تخریب قانون است. باید کاری را انجام دهیم که شرایط برای کارفرما، کارگر و دولت از امروز بهتر شود و این امر اکنون دنبال نمی‌شود. گروهی تحت فشار گروه دیگر شرایط را به ضرر گروهی دیگر تغییر می‌دهند. در این میان نارضایتی شکل می‌گیرد که ادامه خواهد داشت و اثراتش را در بخش‌های مختلف نشان خواهد داد. چون موقعیت امروز ما موقعیتی نیست که با زور و قلدری فشار بتوان کار را پیش برد. اقتاع اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است.

خبر

رئیس مجلس الگوی قراردادهای جدید نفتی را به دولت ابلاغ کرد

● خانه ملت: سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس از ابلاغ الگوی قراردادهای جدید نفتی از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی به دولت خبر داد. اسدالله قره‌خانی با اعلام این خبر افزود: هیأت تطبیق مصوبات دولت با قوانین، پس از بررسی الگوی قراردادهای جدید نفتی، نبود مغایرت آن با قوانین بالادستی و توصیه‌های مطلعان و منتقدان را اعلام کرده است.

عسلی: ایران باید از تثبیت سقف تولید مستثنا شود

● شانا: مدیرکل پیشین امور اوپک و روابط با مجامع انرژی وزارت نفت معتقد است که ایران در نشست الجزایر می‌تواند موافقت خود را با اعلام یک سقف تولید کلی اعلام کند مشروط بر اینکه خود دو تا سه سال از این طرح مستثنا شود. عسلی معتقد است که ایران برای بازگشت ثبات به بازار نفت باید دوباره راهبرد پیشنهادی تثبیت بازار نفت حول قیمت‌های منصفانه و منطقی که پارسال در امور اوپک و روابط با مجامع وزارتخانه طرح و با امضای حسین کاظم‌پوراردیبیلی، نماینده ایران در هیات عامل اوپک، به دبیرخانه و کشورهای عضو این سازمان پیشنهاد شد، مطرح و پیگیری کند.

امضای ۱۰میلیارد دلار قراردادنفתי

● مهر: معاون وزیر نفت از امضای ۱۰میلیارد دلار قرارداد جدید نفتی در ادامه سال ۹۵ خبر داد و گفت: قرارداد توسعه سه میدان نفت و گاز اسمال واگذار می‌شود. علی‌کارد در برباره حجم امضای قراردادهای توسعه‌ای بخش بالادستی صنعت نفت‌وگاز، گفت: پیش‌بینی می‌کنیم تا پیش از پایان امسال حدود ۱۰میلیارد دلار قرارداد جدید برای توسعه میادین نفت‌وگاز با شرکت‌های خارجی یا داخلی امضا کنیم. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با تأکید بر اینکه امسال قرارداد توسعه سه میدان نفت‌وگاز امضا خواهد شد، تصریح کرد: به‌زودی با برگزاری توسعه میادین نسبت به انتخاب پیمانکاران توسعه میادین نفت‌وگاز اقدام می‌کنیم. کارد، معاون وزیر نفت، اواسط شهریورماه امسال هم در نشست‌ی خبری با اشاره به برگزاری اولین مناقشه بین‌المللی صنعت نفت کشور در دوران پس‌اِبرجام، گفته بود: هفته پایانی مه‌رامه آزادگان برگزاری مناقشه توسعه میدان نفتی افرکان جنوبی برگزار خواهد شد.

تازه‌ترین صنایع شهری در کیش

● صدواسیمه: هفتمین همایش و نمایشگاه شهر ایده‌آل از ۲۷ تا ۳۰ آذر در جزیره کیش میزبان مدیران و فعالان حوزه شهری و همچنین ارائه و نمایش جدیدترین دستاوردها و تولیدات شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌ها در حوزه مدیریت و خدمات شهری خواهد بود. مهدی عاطفی، مدیر اجرایی این رویداد، گفت: در هفتمین نمایشگاه شهر ایده‌آل، شرکت‌کنندگان در حوزه‌های میلمان شهری، حمل‌ونقل و ترافیک، مدیریت و خدمات شهری، راه و شهرسازی، آتش‌نشانی، فضای سبز، روشنیایی و نورپردازی، شهرهای هوشمند و زیباسازی، فناوری اطلاعات، بازایافت و تبدیل مواد، تازه‌ترین تولیدات و دستاوردهای خود را ارائه می‌کنند. ایجاد تعامل بین عرضه‌کنندگان تجهیزات، خدمات و فناوری مورد نیاز در یک شهر ایده‌آل با دست‌اندرکاران مدیریت شهری اعم از شهرداران، شورا‌های شهری، استانداران، پیمانکاران و مهندسان مشاور، کمک به توسعه فروش عرضه‌کنندگان، ارتقای مدیریت شهری، ارائه الگوهای شهرهای ایده‌آل، انتقال فناوری روز دنیا و دانش در حوزه مدیریت شهری، مهم‌ترین اهداف برگزاری هفتمین نمایشگاه شهر ایده‌آل است. از نکات مهم این دوره از برگزاری نمایشگاه و همایش شهر ایده‌آل، حضور فعال پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه مدیریت شهری است.

با دریافت یک میلیون بشکه نفت از ایران «او.ام.و» به خریداران نفت پس‌اتحریم اضافه شد

● ایسنا: ایران یک محموله یک‌میلیون‌بشکه‌ای نفت را به بزرگ‌ترین شرکت نفتی اتریش تحویل داد. خبرگزاری رویتز از وین به نقل از شرکت اتریشی «او.ام.و» اعلام کرد که یک میلیون بشکه نفت خام در قالب یک معامله تک‌محموله در بندر تریسته ایتالیا از ایران دریافت کرده است. این شرکت اتریشی اعلام کرد محموله یادشده را در دو پالایشگاه خود در اتریش و رومانی به کار خواهد گرفت. تحویل این محموله، نخستین معامله او.ام.و و ایران پس از آغاز تحریم در سال ۲۰۱۲ میلادی است. سخنگوی او.ام.و اعلام کرد برای دریافت محموله‌های بیشتر در آینده، در حال مذاکره با ایران است اما هنوز قراردادی میان دو طرف امضا نشده است. وی افزود که محموله تحویل داده شده در روز جمعه، شامل هر دو نوع نفت خاب سم و سنگین ایران بوده است.